

منجی در مکاشفات یوحنا و مقایسه آن با قرآن کریم و روایات امامیه

عباس همامی^۱

احمد شاه علی فردویی^۲

چکیده

اندیشه منجی را می توان ، تقریباً در تمام ادیان الهی و غیر الهی به دین گونه ترسیم کرد که در آخرالزمان مصلحی ظهور کرده و با برپایی حکومت صالحان ، جهان را از پر از عدل و داد می کند . بر اساس باورهای امامیه ظهور مهدی (علیه السلام) یکی از اصول مسلم اعتقادی است که در قرآن کریم و روایات به آن پرداخته شده است ، در مقابل نقش کتاب مکاشفات یوحنا یا رساله ی کشف الاسرار که شرح رویایی است که یوحنا ی رسول مشاهده کرده است ، در پرداختن به موضوع مورد نظر و ظهور عیسی (علیه السلام) از جایگاه ویژه ای برخوردار است ، هرچند دیدگاههای دو حوزه یاد شده در مورد منجی در بعضی موارد متفاوت است اما با بررسی مآثورات آنها می توان به علائم و نقاط مشترک در مورد موضوع مورد نظر دست یافت . این تشابهات ، زمینه ای مناسب برای مقایسه ی دو دیدگاه می باشد ، از جمله می توان به مباحث مشترکی مانند ، ظهور مصلح و منجی ، حکومت صالحان ، خارج کردن شیطان از صحنه ، شکست و نابودی نیروهای شرور ، زندگی همراه با امنیت و آرامش اشاره کرد. در مقاله حاضر ، با بررسی موضوع مهدی (علیه السلام) در قرآن کریم و روایات شیعه امامیه و عیسی (علیه السلام) در مکاشفات یوحنا ، سعی بر یافتن تشابهات آنها و تقریب دو دیدگاه می باشد .

کلید واژه ها: قرآن ، روایت ، مهدی ، ظهور ، مکاشفات ، عیسی

۱- طرح مسأله

از مسائلی که در تاریخ پر فراز و نشیب بشر به هنگام سختیها و ناملایمات روزگار، ذهن بشر را به خود مشغول داشته و از چالش های همگانی و همه جایی بوده است، اندیشه ی وجود نجات بخش، برقراری عدالت و رسیدن به امنیت و آرامش در آخرالزمان بوده است، البته با وجود مشترکات فراوان ادیان در موضوع منجی، این مسئله در همه ی موارد به سان واحدی نیست، بلکه ادیان مختلف علیرغم اثر پذیری از یکدیگر، ویژگی های خاص خود را به نمایش می گذارند و حتی در درون یک دین نیز با صورت های گوناگونی از این اندیشه مواجه می شویم. در "کاکلی مظهر دهم و شینو" در عصر آهن، در حالی که سوار بر اسبی سفید است و در دست او شمشیر برهنه ی درخشان قرار دارد، ظهور خواهد کرد، همه ی اشرار را هلاک می کند و خلقت را از نو تجدید خواهد کرد. (اوپه نیشد، ۷۳۷)

سوشیانت در آئین زردتشت، نجات دهنده ی بزرگ، ایزدان را از دست اهریمنان نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار سازد. (جاماسب، ۱۲۱) در آئین بودا، "میتیره" که هم سرشت بودایی و هم بوداسفی دارد، عصری طلایی و صلح آمیز را بر روی زمین برقرار می کند. (جعفری، ۱۸۸) اندیشه ی انتظار منجی و مسیحا را در قوم یهود می توان در ظهور "ماشیح" دید که گذشته ی تیره و تار آنها را به آینده ی بهتر تبدیل خواهد کرد. (نک: جولوس گرینستون، ۱۷-۱۸) در آیین مسیحیت غالباً منجی و موعود با عنوان "پسر انسان" معرفی شده است که در آخرالزمان سوار بر ابرها با قوت و جلال می آید. (مکاشفات یوحنا، ۱۴: ۱۴) مستر هاکس معتقد است تعبیر پسر انسان بیش از هشتاد بار در عهد جدید تکرار شده است که سی مورد آن با عیسی (علیه السلام) قابل تطبیق است و بقیه موارد از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. (هاکس، ۲۱۹).

نگاه قرآن کریم به موضوع مورد نظر به صورت کلی و فرا مکتبی است، دأب قرآن کریم در این مورد نیز مانند بسیاری از موضوعات دیگر بیان مصداق نیست، بلکه اشاره به ویژگیها و مختصات عمومی است که می توان آنها را با مصلح و نجات بخش در پایان زمان تطبیق داد که این مصلح می تواند نقطه مشترک و اتحاد تمام ادیان باشد، هر چند در عنوان، نام های متفاوتی داشته باشد. (الانبیاء، ۱۰۵؛ القصص، ۵؛ النور، ۵۵) مؤید این برداشت، نام های مختلفی است که در ادیان برای منجی ذکر شده است.^۱

۱- گفته اند سوشیانت مزدیسنان، به منزله ی گریشای برهمان، بودای پنجم بودائی، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است. (دائرالمعارف فارسی، ۳۷۳)

روایات امامیه مهدی (علیه السلام) را منجی همه ی ادیان می داند. (کورانی، ۳ / ۴۲۶) مهدی (علیه السلام) همه ی مردم را به اسلام دعوت می کند، آنها دین واحد خواهند داشت. (مجلسی، ۵۳ / ۱) امام باقر (علیه السلام) فرمود: او را مهدی می نامند از آن جهت که به تورات و انجیل و کتب سماویه راهنمایی خواهد کرد، آنها را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد و بین اهل تورات به تورات و اهل انجیل با انجیل و اهل زبور با زبور و اهل قرآن با قرآن حکم خواهد کرد. (النعمانی، ۱۲۴)

در این بین پرسش اساسی این است که در مکاشفات یوحنا، قرآن کریم و روایات امامیه چه ویژگیهایی به عنوان اشتراکات منجی اعلام شده و تحلیل مشترکات چه می باشد؟ این مقاله در صدد یافتن پاسخ به پرسشهای یاد شده است.

اصل ظهور منجی

او سوار بر ابرها می آید (۷: ۱) ابری سفید دیدم که یک نفر شبیه انسان بر آن نشسته است. بر سر او، تاجی زرین و در دستش داس تیزی به چشم می خورد. (۱۴: ۱۴)

موضوع سوار شدن منجی بر ابرها در مکاشفات، ظاهراً در مورد مسیح (علیه السلام) مطرح شده است، اما در روایات امامیه این بحث به ۳۱۳ نفر از یاران مهدی (علیه السلام) نسبت داده شده است که بعضی از آنها در روز سوار بر ابر می شوند. "اصحاب القائم ثلثمائه و ثلاثة عشر رجلاً اولاد العجم، بعضهم يحمل في السحاب نهراً" (النعمانی، ۱۷۰) و بعضی هم با طی الارض از گوشه و کنار زمین به سوی مهدی رفته و بیعت می نمایند. "فیصير اليه انصاره من اطراف الارض تطوى لهم طياً، حتى يبایعوه". (ابن الصباغ، ۲۲۱) اما در مورد مهدی (علیه السلام) مسئله این گونه مطرح شده است که در آخر الزمان قائم ظاهر می شود، بالای سرش ابری سایه افکنده و از آفتاب نگه می دارد. "يظهر القائم في آخر الزمان، على رأسه غمامه تظله من الشمس" (مجلسی، ۵۲ / ۳۷۸) همچنین بر اساس بعضی از روایات، ابر، رعد و برق، بادهای، کوه و دریا، ستاره ها، خورشید و ماه در تسخیر مهدی (علیه السلام) هستند. از لسان آن بزرگوار وارد شده است: "انا الذي سخرت لي السحاب والرعد والبرق والظلم والانوار والرياح والجبال والبحار والنجوم والشمس والقمر" (همانجا، ۵۳ / ۴۶)

با مقایسه نقل مکاشفات با روایات امامیه می توان این احتمالات را مطرح نمود:

- ۱- قدرت و اختیارات طبیعی و فوق طبیعی مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان بیشتر از مسیح (علیه السلام) است.
- ۲- سوار شدن بر ابرها و طی الارض، هر چند در زمان صدور اخبار و ثبت آن در منابع اولیه، در حد معجزه بوده است اما امروزه می تواند سفر هوایی با هواپیماهای پیشرفته و فوق مدرن باشد که روشی معمولی برای رفت و آمد است.

۳- از آنجائیکه در روایات، مسیح (علیه السلام) از جمله اصحاب مهدی (علیه السلام) منظور شده که بعد از چند ماه از ظهور، به جمع یاران خاص او می پیوند و پشت سر او نماز می خواند. ^۱ بنابر این می توان نقل مکاشفات را بر این روایات حمل نمود و سوار شدن مسیح بر ابرها را با احادیث آمدن یاران مهدی (علیه السلام) به وسیله ی ابر تطبیق داد.

"لشکرهای آسمانی که لباسهای کتان سفید و پاک بر تن داشتند، سوار بر اسب های سفید به دنبال او می آمدند." (۱۹: ۱۴) این فراز نیز با روایات "و لانصرنه بجندی و لامدنه بملائکتی حتی یعلن دعوتی" (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱/ ۲۵۵) و "اذا قام القائم نزلت الملائکه بثلاثمائه و ثلاثه عشر: ثلث علی خیول شهب، و ثلث علی خیول بلق، و ثلث علی خیول حو". (النعمانی، ۱۲۸) مناسبت دارد.

"در دست راست او طوماری می دیدم که بر هر دو طرف آن نوشته شده بود و با هفت مهر، آن را مهر و موم کرده بودند." (۱: ۵) علت مهر شدن طومار این است که هیچ شخص غیر مجازی امکان باز کردن آن را نداشته باشد. (William Barclay, ۱۹۷۹. P. ۱۵۹) به نظر می رسد نقل مکاشفات را می توان با این روایت الکافی مقایسه کرد، که "انزل علی نبیه کتابا قبل وفاته..." و کان علی الکتاب خواتیم من ذهب" (الکلینی، ۱/ ۲۸۰) در این روایت نیز بحث طومار و مهر کردن آن مطرح شده است. این وصیت که به صورت (طومار) نازل شده ۱۲ مهر دارد که هر امام مهر مخصوص به خود را در زمان مقرر باز می کند.

"هر چشمی او را خواهد دید، حتی آنانی که به پهلوی او نیزه زدند، او را خواهند دید و تمام قوم های جهان از شدت وحشت و اندوه خواهند گریست." (۷: ۱)

این نقل را می توان با روایت "یغیب... فلا تراه عین حتی یراه کل احد و کل عین." از امام معصوم، تطبیق داد. (مجلسی، ۵۳/ ۵) در این مورد نیز می توان به وجود ماهواره های مخابراتی و وسایل ارتباط جمعی مدرن در آن زمان اشاره کرد که مردم در سراسر جهان قادر خواهند بود از طریق گیرنده های خود به صورت مستقیم تصویر مهدی و عیسی (علیهما السلام) را ببینند و صدای آنها را بشنوند.

"مانند دزد زمانی که منتظر نیستید، می آیم، خوشا به حال کسی که برای بازگشت من آماده است و لباس خود را نگاه می دارد." (۱۵: ۱۶)

از این نقل دو نکته برداشت می شود:

۱- ظهور ناگهانی

۲- تشویق منتظران به آمادگی برای ظهور موعود

۱- "ان عیسی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا... و یصلی خلف المهدی" (مجلسی، ۵۳/ ۵۰)

اشارات روایات تأویلی ذیل آیه ی « هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً » (الزخرف ، ۶۶) را می توان با نقل مکاشفات تطبیق داد ، در تأویل این آیه گفته شده که منظور از ساعه ، ساعت قائم است که به صورت ناگهانی خواهد آمد . (مجلسی ، ۵۳ / ۱) نکته دوم از برداشت فوق ، با عنوان " انتظار فرج " سازگاری دارد . " افضل العبادة انتظار الفرّج " (حائری، ۶۷) " افضل جهاد امتی انتظار الفرّج " (الصادق الگلپایگانی، ۴۹۴)

تا کی به تمنای وصال تو یگانه خواهد به سر آید شب هجران تو یگانه	اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه ای تیر غمت را دل عشاق نشانه (شیخ بهائی)
---	--

"یک بره دیدم (۵: ۶) بره آنها را به چشمه های آب حیات هدایت خواهد کرد . (۷: ۱۷) من به هر که تشنه باشد از چشمه ی آب حیات به رایگان خواهم داد تا بنوشد . (۲۱: ۶)" شاید بتوان گفت استفاده از کلمه ی " بره " برای عیسی (علیه السلام) در مکاشفات ، نمایش تصویری از یک انسان بی آزار و بی خطر است تا بدین وسیله حاکمان و قدرتهای زمان مسیح (علیه السلام) او را برای تاج و تخت خود تهدید ندانند و نسبت به او بی توجه شوند . چنانکه این تصور در ذهن افراد در هر دوره ای از بره وجود داشته که او حیوانی است رام و اهلی و خطری از ناحیه ی او کسی را تهدید نمی کند . این برداشت را می توان از کلماتی که در روایات شیعه خطاب به منتظران موعود بیان شده ، فهمید که " کونوا کالبحل فی الطیر لیس شی من الطیر الا و هو یتضعفها " (مجلسی، ۵۲ / ۱۱۵) و نیز " لا ترون الذی تنتظرون ، حتی تکنوا کالمرعی المواه الّتی لا یبالی الخابس این یضع یده منها " (همانجا، ۲۶۴)

"من به هر که تشنه باشد از چشمه ی آب حیات به رایگان خواهم داد تا بنوشد . (۶: ۲۱) بره آنها را به چشمه های آب حیات هدایت خواهد کرد . (۷: ۱۷)"

در فرهنگ اهل کتاب آب حیات ، یک ترکیب استعاره ای است از سبیل توانایی خدا در برآورده کردن مهمترین نیازهای بشر (۳۹-۳۷: ۷؛ John ۴: ۱۳-۱۴؛ Isa. ۵۵: ۱؛ cf ۷: ۱۷) همین برداشت در روایات امامیه نیز دیده می شود ، که " مثله مثل الخضر ، و مثله ذی القرنین ، ان الخضر شرب من ماء الحیاه ، فهو حی لا یموت حتی ینفخ فی الصور " (نجفی، ۲۴۹) این روایت ناظر به عمر طولانی امام است که علت آن نوشیدن آب حیات است ، همانگونه که خضر نوشید و عمر او جاودانه شد .

شمشیر دو دم تیزی هم در دهانش قرار داشت . (۱: ۱۶) در مورد مهدی (علیه السلام) نیز این تعبیر زیاد به کار رفته است . " لیس شأنه الا بالسیف لا یتتیب احدا و لا یأخذہ فی الله لومه لائم " (لنعمانی، ۲۳۳) این روایات و نظیر آنها را باید در کنار توصیفات دید که بیان کننده ی مهربانی و عطوفت مهدی (علیه السلام) است ، مانند اینکه او فرزند رحمه للعالمین است ، او صاحب بخشش ، عفو و گذشت است ، او به انسانها درس آقایی ، بزرگی و مثبت نگری می دهد نه درنده خوئی ، کینه توزی و انتقام جوئی ، از پدران و مادرانشان مهربان تر است . (حائری، ۱۰)

چرا مردی با این خصوصیات اینگونه توصیف می شود، در چنین مواردی می بایست به مقتضیات صدور، مخاطب، زمان و مکان نیز توجه کرد. شاید دلیل صدور روایات نخست، وجود شرایط سخت، طاقت فرسا، ظلم و ستم وارده بر مخاطبان صدور در زمان و مکانی خاص بوده که برای ایجاد حس مقاومت و امید به آینده به موعودی با این ویژگی اشاره شده است، از طرفی شمول این روایات عام نیست و مربوط به افراد و گروههای خاصی است. "زمان نجات و سلطنت خدا و حکومت مسیح رسیده است" (۱۲: ۱۰). "سلطنت ما از آن خدا و مسیح او شد و او تا ابد سلطان است" (۱۵: ۱۱).

این فرازهای مکاشفات با آیه ی «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۱۲۸) مناسبت دارد.

"این پسر با قدرتی مستحکم بر تمام قومها حکومت خواهد کرد" (۵: ۱۲) این بخش نیز با روایت "و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله به دینه و لو کره المشركون" (مجلسی، ۵۱ / ۷۱) سازگاری دارد. "چشمانش همچون شعله های آتش تیز و نافذ است" (۲: ۱۹) در این روایت به یکی از ویژگیهای خاص عیسی (علیه السلام) در رصد و بررسی محیط اطراف و پیرامون خود اشاره شده است. شبیه به آن را می توان در روایت "و یری من خلفه کما یری من بین یدیه" (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲ / ۱۶۹) مشاهده کرد.

شاید بتوان گفت، این تعبیر حکایت از استفاده منجی از علوم، فنون، تکنولوژی و دوربینهای پیشرفته آن زمان دارد، به گونه ای که امام به تمام زوایای پنهان و آشکار محیط اطراف خود اشراف دارد. "السموات و الارض عند الامام کیده من راحته یعرف ظاهرها من باطنها و یعلم برها و فاجرها" (حائری، ۱۱) "صورت او همچون خورشید نیمروز می درخشید" (۱: ۱۶) تصویری است از پرهیزگاری و تقدس خالص. (Thomas L. Constable, ۲۰۱۴, P. ۲۱). نقل یوحنا با فراز "الامام كالشمس الطالعة المجللة بنورها العالم" (مجلسی، ۵۱ / ۳۶۶) مطابقت دارد. شاید منظور از نور در اینجا نور معنوی و ولایی باشد، همان طور که در روایتی دیگر نقل شده، "انهم يستضيئون بنور ولايته في غيبته كانتفاع الناس بالشمس و ان سترها سحاب" (حائری، ۱ / ۴۲۹).

اسامی و القاب منجی

هر چند در قرآن کریم صریحاً نام مهدی (علیه السلام) ذکر نشده است، اما روایات در تأویل یا تطبیق بعضی آیات قرآن کریم به نام مهدی (علیه السلام) اشاره کرده اند، مانند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (النور، ۵۵) صالحان و نیکوکاران در این آیه حضرت مهدی (علیه السلام) و اصحاب ایشان هستند، (مجلسی، ۵۱ / ۵۸) در قرآن کریم از عیسی (علیه السلام) با لقب مسیح یاد شده است. «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» (المائدة، ۷۲) این کلمه ۱۰ مرتبه در قرآن کریم آمده

است، یکی از القاب مشهوری که در مکاشفات به عیسی (علیه السلام) نسبت داده می شود، مسیح است، از جمله: "مسیح (علیه السلام) نخستین کسی است که پس از مرگ زنده خواهد شد." (۵: ۱) در آنجا پس از کلمه ی "بره" کلمه ی مسیح و ترکیب آن، بیشترین کاربرد را دارد. ۲۰۰۶ (Edwin Reynolds. P. ۵۸)، مسیح (علیه السلام) نام خاص عیسی (علیه السلام) نیست، بلکه به دلیل آن که او منجی جهانی است ملقب به این نام شده است؛ زیرا از واژه ی مسیح مفهوم منجی برداشت می شود. (صدر، ۵۱۴)

"یوحنا کلمه ی خدا را می بیند که سوار بر اسب سفید همراه با لشکرهای آسمانی می آید." (۱۹: ۱۱) این فراز از مکاشفات را می توان با این آیه تطبیق داد. «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ» (النساء، ۱۷۱) "سپس دیدم که آسمان گشوده شد، در آنجا اسبی سفید بود که سوارش "امین و حق" نام داشت، چشمان او مانند شعله های آتش بود و بر سرش تاجهای فراوانی قرار داشت، لقبش "کلمه ی خدا" بود." (۱۹: ۱۱-۱۴) همچنین یوحنا در عبارتی دیگر از سفر خود به آسمان با واسطه ی روح خدا می گوید: "ناگهان روح خدا مرا فرو گرفت و من خود را در آسمان دیدم" (۴: ۲ و ۳) در روایات شیعه نیز روح الله از القاب عیسی ابن مریم (علیه السلام) است. "قال عيسى ابن مريم يا معشر الحواريين لي اليكم حاجه اقضوها لي قالوا قضيت حاجتك يا روح الله" (الكليني، ۱/ ۳۷) همان طور که عیسی (علیه السلام) در مکاشفات به شکل تمثیل و استعاره بیان می شود. (۵: ۵، ۱۶: ۲۲، ۵: ۱)، بعضی از روایات نیز اسامی و القاب مهدی (علیه السلام) را به صورت کنایه مطرح کرده اند. (مجلسی، ۵۱/ ۷۱) محدث نوری در کتاب النجم الثاقب تعداد ۱۸۲ لقب برای مهدی (علیه السلام) بیان کرده است، (نوری، ۱/ ۸۵-۱۷۷) هر یک از این القاب، به بخشی از صفات، ویژگیها و آثار وجودی منجی اشاره دارند که بعضی از آنها با عیسای مکاشفات مطابقت دارد، از جمله ی آنها می توان به القابی مانند ستاره صبح (۲۲: ۱۶) مسیح الزمان (۵: ۱) میزان الحق (۳: ۱۴) وعده داده شده (۳: ۷) اشاره کرد.

خلقت و سرنوشت منجی

یکی از مباحثی که در مورد شرح زندگی منجی در ادیان الهی مطرح است، چگونگی تولد و سرنوشت او می باشد که در اینجا اشاره ای مختصر به این بحث خواهد شد.

خلقت جسمانی پنهانی

آنچه در مورد واقعه ی تولد عیسی (علیه السلام) گفته شده این است که: مریم، مادر عیسی (علیه السلام) که در عقد یوسف بود، قبل از ازدواج با او، به وسیله ی روح القدس حامله شد، یوسف قصد به هم زدن نامزدی خود را داشت که در خواب فرشته ای به او گفت: نگران نباش کودکی که در رحم اوست از روح القدس است، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل^۱ خواهند نامید. یوسف او را عیسی (علیه السلام) نام نهاد. (متی، ۱: ۱۸-۲۵)

۱ - عمانوئیل به زبان عبری به معنی "خدا با ماست" می باشد.

با توجه به نقش روح القدس در تولد عیسی (علیه السلام)، این روایت را می توان با روایتی از بحارالانوار تطبیق داد که بیان کننده ی نقش دیگری از روح القدس در سرپرستی و حفظ و نگهداری مهدی (علیه السلام) است . مهدی (علیه السلام) در سال ۲۵۵ ه ق در شهر سامرا متولد شد . (مجلسی ، ۵۱ / ۶) به اعتقاد شیعیان محل و ولادت او تا هنگام تولد مخفی بوده است ، بعد از تولد تا ۵ سالگی در کفالت پدرش به روح القدس سپرده شده بود . (همانجا ، ۱۴)

قرآن کریم تولد عیسی (علیه السلام) را معجزه گونه و پنهانی می داند . « إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ » (النساء ، ۱۷۱) از این گذشته نقل های تاریخی برای علل مخفیانه بودن تولد عیسی (علیه السلام) و مهدی تعبیرات تقریباً مشابهی ارائه کرده اند ، ظاهراً آگاهی حاکمان زمان از تولد کسی که تهدیدی برای تاج و تخت آنها محسوب می شد ، و تصمیم آنها بر قتل او ، مهمترین علت تولد پنهانی موعود شیعه و مکاشفات می باشد .

در انجیل متی آمده است : ستاره شناسان مشرق زمین به هیروдіس پادشاه خبر دادند که در بیت لحم کودکی باید متولد می شود که باید پادشاه یهود گردد ، آنها مأمور شدند تا او را به هیروдіس تحویل دهند ، اما یوسف و همسرش مریم همراه عیسی به مصر فرار کردند و تا زمان مرگ هیروдіس در آنجا ماندند . (متی ، ۲ : ۲۳ - ۱) این روایت انجیل را می توان با روایت تولد مهدی (علیه السلام) مقایسه کرد .

معتصم عباسی از تولد مهدی (علیه السلام) احساس خطر کرد در صدد برآمد تا از تولد این نوزاد جلوگیری کند و اگر متولد شد، او را از میان بردارد؛ اما مشیت الهی بر این قرار گرفت که آثار حمل در نرجس خاتون، مادر آن حضرت پوشیده ماند. حجت حق از گزند آسیب ها نجات یافت و برخلاف همه ی تلاش ها پا به عرصه وجود گذاشت . (صدوق ، کمال الدین و تمام النعمه ، ۲ / ۱۵۵)

خلقت نوری

در کتاب مکاشفات می خوانیم . " و من ابتدا و انتها هستم ، من زنده بودم و مردم ، و حال تا به ابد زنده ام ، (۱ : ۱۸ - ۱۷) من الف و یا ، آغاز و پایان ، اول و آخر هستم . " (۲۲ : ۱۳)

در بین مسیحیان دو دیدگاه در مورد مسیح (علیه السلام) وجود دارد ، در انجیل متی می خوانیم ، مسیح همانطور که صعود نمود با جلال بر خواهد گشت . (۳۱ : ۲۵ ، ۳۰ : ۲۴ ، ۲۷ : ۱۶) اما در رساله ی پولس و انجیل یوحنا ، مسیح (علیه السلام) شخصی معینی نیست، بلکه اصلی است الهی و فوق طبیعی فراتر از تاریخ و زمان که پیش از آفرینش جهان بوده و بعد از پایان آن نیز خواهد بود . عیسی مسیح (علیه السلام) خودش این وعده و هشدار را می دهد . (۱۷-۱۸ : cf. ۱) مسیح (علیه السلام) کسی است که قبل از تأسیس جهان بوده و در دوره ای به شکل انسان روی زمین ظاهر شده تا زندگی کند برای نجات نوع بشر بمیرد (Edwin Reynolds. , ۲۰۰۶ , P . ۶۷) از

طرفی یهود اعتقاد داشت موسی، عیسی (علیهما السلام) و فرشتگان قبل از تأسیس جهان خلق شده اند. (۱Pet. ۱: ۱۹-۲۰)

پاولس (Paul) معتقد است: خدا ما را قبل از تأسیس جهان انتخاب کرده است (قبل از شروع زمان) (Eph. ۱: ۴). این تعبیرات شبیه خلقت نوری است که در روایات امامیه در مورد ائمه و مهدی (علیهم السلام) مطرح است، (مجلسی، ۱۵/۹) به اعتقاد شیعیان، مهدی (علیه السلام) از خلقت نورانی نیز برخوردار است، او اولین آفرینش قبل از پدید آمدن آسمان و زمین به صورت نور پیرامون عرش بوده است. (همانجا، ۵۴/۱۹۳) "لما اسری بی اوحی الی ربی جل جلاله... فرفعت رأسی فاذا بأنوار علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی... و الحجه بن الحسن فی وسطهم کانه کوكب دری" (همانجا، ۵۲/۳۷۹) در این مورد احادیث فراوانی نقل شده است به گونه ای که بعضی از علما، علیرغم ضعف سندی و متنی بعضی از این احادیث، به دلیل کثرت آنها قائل به تواتر مضمونی این اخبار شده اند، علامه طباطبائی (ره) معتقد است: در مجموع، کثرت احادیث موجود در این زمینه به حدی است که نمی توان در اصل صدور این احادیث یا صحت انتساب آن به معصوم مناقشه نمود. (طباطبائی، ۱/۲۹۱)

دشمنان منجی

همواره در مقابل منجی، دشمنانی وجود داشته تا با مقابله با دعوت و پیام او، از پیروزی و رسیدن به اهدافش جلوگیری کنند، هرچند این دشمنان در دوره ای بتوانند به موفقیت هایی دست یابند اما با توجه به وعده ی خداوند بر پیروزی نهایی حق بر باطل، سرانجام تلاش آنها بی نتیجه و قرین و همراه با شکست و بیهودگی خواهد بود. اهم این دشمنان عبارتند از:

۱- شیطان

شیطان در کتاب مقدس تبدیل به یک شخص می شود که در مقابل خدا می ایستد او مظهر شر است در مقابل خداوند که مظهر خیر است. در عهد قدیم ما هرگز اهریمن نداریم اما در عهد جدید شیطان اهریمن می شود، او در اهداف شرورانه به خدمت گرفته می شود و با اغواگریش مسیح (علیه السلام) را اغوا می کند و بر فکر مسیح (علیه السلام) تأثیر می گذارد. (Matt. ۴: ۱، ۵، ۸، ۱۱; Mk. ۱: ۱۳; Lk. ۴: ۲-۳، ۵، ۱۳)

در کتاب مکاشفات، تاریخ شیطان یک نمایش غم بار است، بزرگترین فرشته ای که غرور و نافرمانی باعث شد او خودش را بزرگتر از خدا تصور کند، از آسمان رانده شد، "سپس در آسمان جنگی روی داد، میکائیل و فرشتگان زیر فرمان او با اژدها و فرشتگان خبیث او جنگیدند. اژدها شکست خورد و همراه فرشتگانش از آسمان رانده شد. (۷-۸: ۱۲) این بخش از نقل مکاشفات را می توان با "چون فرمان حق به سجده ی آدم در رسید همه ی فرشتگان عالم سجده کردند، مگر ابلیس که از سجده امتناع ورزید... خداوند فرمود: چون سجده نمی کنی، از صف

ساجدان و از بهشت مطیعان خارج شو که تو رانده ی درگاه ما شدی. (الحجر، ۳۰-۳۴) مقایسه کرد، در هر دو حوزه، عامل اصلی اخراج شیطان غرور و نافرمانی او می باشد. در نقل دیگر شیطان خادم واقعی خدا بود و با یک گناه فرصت خدمت را از دست داد و منحرف شد، شیطان یک مثال عالی از داستانی است که بهترین، بدترین می شود. (William Barclay.p. ۲۶۱) شیطان هم اکنون در میان ساکنان زمین است و به صورت خصومت آمیز با آنها رفتار می کند.

"وقتی اژدها دید که به زمین افتاده است، دست آزار به سوی زنی که پسر را زائیده بود دراز کرد." (۱۲: ۱۳) این فراز از مکاشفات با "گفت خدایا چنان که مرا گمراه کردی من نیز در روی زمین همه چیز را در نظر فرزندان آدم جلوه می دهم تا از یاد تو غافل شوند و همه ی آنان را گمراه خواهم کرد." (الحجر، ۳۹) سازگاری دارد. در مکاشفات، شیطان می داند که زمان فعالیت او محدود و معلوم است و فرصت زیادی برای فریب مردم ندارد، لذا با تمام قوا در زمین ظاهر می شود. "... ای وای به روزگار شما ای اهالی زمین، زیرا شیطان با خشم زیاد به سراغ شما آمده است، چون می داند که فرصت زیادی ندارد." (۱۲: ۱۲) این بخش با "شیطان از خدا درخواست کرد که پروردگارا، پس مرا تا روز قیامت که خلق مبعوث می شوند مهلت و طول عمر عطا فرما، خدا فرمود، تو را مهلت خواهم داد تا به وقت معین و روز معلوم." (الحجر، ۳۶-۳۸) قابل مقارنه است.

بر اساس روایات امامیه، مهلت دادن به شیطان تا وقت معلوم، قیامت نیست بلکه قیام قائم آل محمد (علیه السلام) است. (طبری، ۲۴۰) علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، می نویسد: «میان پاسخ خداوند و تقاضای شیطان تفاوت وجود دارد و در این پاسخ از جهتی موافقت شده است و از جهتی نیز مخالفت شده است اصل مهلت دادن به شیطان، پذیرفته شده ولی مدت مورد نظر شیطان رد شده است. چون سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه "وقت معلوم" غیر از "یوم یبعثون" است و مراد از آن زمان، قبل از قیامت است.» (طباطبائی، ذیل آیه) "در این جدال، همه ی مردم دنیا تسلیم دسیسه های شیطانی خواهند شد و در مقابل جانور، که به تحریک شیطان، به خدا و یاران خدا کفر می گفت، شکست خواهند خورد و او را خواهند پرستید. مگر کسانی که نامشان از آغاز آفرینش، در دفتر حیات که متعلق به بره است، نوشته شده او را پرستش نخواهند کرد." (C.f, ۱۳: ۵-۱۰) این عبارات با "همه ی آنها را گمراه خواهم کرد، به جز بندگان پاک و خالص تو را" قابل مقارنه است. (الحجر، ۴۰)

خداوند در آخرالزمان شیطان را شکست خواهد داد. (Alison, Dale, C, "The Eschatology of Jesus", p. ۱۴۸. ۲۰۰۳) "سپس، فرشته ای را دیدم که از آسمان پایین آمد. او کلید چاه بی انتها را همراه می آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت. او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزار سال به چاه بی انتها افکند" و پس از پایان هزاره او را به دریاچه ی آتش خواهد انداخت. "سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه ی آتش افکنده خواهد شد." (۱۰: ۲۰) به اعتقاد شیعیان بر اساس آیات قرآن، شیطان پس از نافرمانی

خدا از بهشت رانده شد و قسم خورد تا وقت معلوم (الحجر، ۳۶-۳۸) یعنی قیام قائم نه قیامت (طبری، ۲۴۰) انسانها را فریب دهد. در آن روز، شیطان با تمام قوا حاضر می شود اما به دست علی (علیه السلام) و یارانش کشته می شود. (مجلسی، ۵۳/ ۴۲) با توجه به اینکه در این نوع از احادیث، يوم وقت معلوم، هنگام ظهور تفسیر شده است بنابراین هلاکت شیطان بعد از ظهور خواهد بود، پس از آن تحقق وعده ی الهی بر وارث شدن زمین توسط بندگان صالح که مستلزم نبودن شیطان در آن زمان است، محقق می شود، (القصص، ۵) در غیر این صورت او کماکان به مأموریت خود یعنی فریب و گمراهی مردم ادامه خواهد داد.

در مکاشفات نیز گفته شده پس از اسارت شیطان و حبس آن در چاه بی انتها، قیامت اول بر پا می شود، کاهنان خدا و مسیح هزار سال سلطنت خواهند کرد، مسئله مهمی که در مکاشفات، قرآن و روایات به صورت تقریباً یکسان به آن پرداخته شده، بحث هلاکت و از دور خارج شدن شیطان در دوره ی هزاره و آخرالزمان است، در روز وقت معلوم، ابلیس با هر چه نیرو از آدم تا آن روز دارد ظاهر می گردد، علی (ع) نیز با اصحاب خود بر شیطان و لشکرش حمله می کنند شیطان را به هلاکت می رسانند. (بحار، ۵۳/ ۴۲) شبیه این عمل در فرهنگ اهل کتاب به الیاس نسبت داده شده است. "گاهی از شیطان با نام دیگر یاد می شود، یکی از کارهای الیاس در عصر مسیحا به قتل رساندن سمائل، یعنی شیطان سرچشمه ی تمامی شرور است." (The Jewish Encyclopedia, "s, v, Elijah, quoting Yalkut Hadash, p, ۵۸) (۵۸، v) سؤالی که اینجا مطرح است این است که آیا نبود شیطان در یک دوره ای از خلقت با فلسفه ی کلی آفرینش که امتحان و آزمایش انسان در رویایی با شیطان است تناقض ندارد؟ و خللی در داوری عادلانه در قیامت ایجاد نمی کند؟ شاید با تفسیر نمادین و آرمانی و یا تأویل این اتفاق بتوان گفت، کشته شدن شیطان به معنای نهادینه کردن فضائل اخلاقی، صفات پسندیده در وجود انسانها و ریشه کن نمودن مفاسد و رذائل از درون انسانها در پرتو رهنمودها، تلاش ها و آموزه های منجی در جامعه ی آن روز است، در این صورت است که شیطان کارایی خود را از دست می دهد و مرگ او اتفاق می افتد. علاوه بر آن، نیروها و کششهایی که انسان را وادار به گناه و معصیت می کند فقط منحصر به شیطان نیست بلکه وسوسه های درونی و بیرونی مانند نفس اماره و شهوات، همچنان در انسان وجود دارد، اما انسانها در سایه تعالیم و تربیت جامعه ی الهی آن روز، تمایلی به انجام گناه ندارند، گر چه توان و امکان انجام گناه را دارند. به هر حال نتیجه هر دو حالت، عبارت است از عاجز بودن و عدم کارایی شیطان در گمراهی مردم در دوره ی حاکمیت منجی، چه کشته شود یا بی اثر گردد.

نتیجه مشابهی که از دو دیدگاه حاصل می شود این است که شیطان، ابتدا مقرب در گاه خدا بوده، به دلیل غرور و نافرمانی از درگاه خدا رانده می شود، روی زمین همه ی انسانها به جز پاکان و بندگان خالص خدا را فریب می دهد

، در دوران ظهور منجی ، کارایی خود را از دست می دهد و در پایان کشته می شود و توسط خداوند به جزیره ی آتش یا جهنم افکنده می شود .

۲- دجال

در کتاب مقایس اللغه کلمه ی " دجل " به معنای پوشش ، پنهان کاری و فریب آمده است . (ابن فارس، ذیل ماده دجل) بر اساس روایات امامیه ، ظهور دجال در آخر الزمان قطعی است ، آمدن او نزدیک به واقعه ی ظهور بیان شده است ، دجال، فریب کاری است که در آخرالزمان، مردم را گمراه خواهد کرد (مفید، ۱۲۱) . به عقیده ی مستر هاکس ، واژه ی دجال فقط در رساله ی اول یوحنا آمده است . (هاکس، ۳۷۵) هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست ، دروغگوست ، آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید ،(همان ، ۲۲) ویژگی آشکاری که در این عبارت در مورد دجال ذکر شده ، مخالفت ، ضدیت و دشمنی او با مسیح است ، از این منظر می توان گفت ، یکی از دشمنان مسیح (علیه السلام) در مکاشفات یوحنا ، دجال است ، دجال به آنتی کراست یعنی ضد مسیح (علیه السلام) معروف است ، بحث آن از باب ۱۳ شروع می شود ، آنتی کراست بعد از ابلیس منفورترین فرد بوده است و بعضی اوقات به عنوان پسر ابلیس مطرح می شود ، در مکاشفات است که شیطان در مقابل خداوند قرار می گیرد و تبدیل به حریف و دشمن او می شود و دجال (پسر شیطان) در مقابل عیسی (علیه السلام) ، از خصوصیات دجال آن است که قدرت همراه کردن افراد را دارد و می تواند آنها را تحت تأثیر قرار دهد . به جانوری با اعضای حیوانات وحشی و درنده تشبیه شده است که قدرت خود را از شیطان می گیرد.

بحث آنتی کراست ریشه در تاریخ دارد و بر عهد جدید تأثیر گذاشته است ، در عهد قدیم ، اشعیاء از روزی می گوید که خدا ، جانور دریایی ، مار و اژدهایی را که در دریاست خواهد کشت . (Isa . ۲۷ : ۱)

در عهد جدید نه تنها از دجال بلکه از دجالان سخن رفته است ، " ای بچه ها ، این ساعت آخر است و چنان که شنیده اید که دجال می آید ، الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده اند و از این می دانیم که ساعت آخر است " (رساله ی اول یوحنا ، ۲ : ۱۸) در روایات امامیه هم شبیه این تعبیر مکاشفات ، آمده است . " خداوند پیامبری را بر نمی انگزید ، مگر این که قوم خود را نسبت به دجال بیم داد . (صدوق، ۵۲۹)

دیدگاه مسیحیت در باره ی دجال منحصر به یک موجود فرازمینی نیست ، بلکه حتی منکران خدا و عیسی را دجالان روزگار می داند ، هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست ، دروغگوست ؛ او همان دجال است (رساله ی اول یوحنا ، ۲ : ۲۲) کلاید معتقد است : او از سیستم های کنترل و مراقبت بسیار پیشرفته ای استفاده خواهد کرد ، او آن چنان حاکمیتی بر جهان خواهد داشت که هیچ یک از ما با وجود تمام تکنیک هایی که به کار می بریم ، توان رسیدن به گرد پای او را نداریم ، در همان آغاز ، دشمن مسیح (دجال) بر ده ملت اروپایی حاکم خواهد شد . (هالسل، ۴۷)

بر این اساس "ممکن است ما به عنوان یک اصل کلی، ضد مسیح (علیه السلام) را قدرت جهانی ضد خدا بدانیم، یا اینکه آن را به افراد تاریخی خاص مانند پادشاهان و ستمگران نسبت دهیم،" (Goff, M., "Antichrist", Encyclopedia of Millennialism, p. ۲۳). در مورد اینکه این ویژگی منطبق بر چه کسی است، نظرات متفاوتی را می توان مطرح نمود، دجال نام، شخص معینی نیست و هرکسی که با ادعاهای دروغین و با توسل به حیلگری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال نامیده می شود، مؤید آن روایاتی است که از دجالهای فراوانی سخن گفته است. (رساله ی اول یوحنا، ۱۸: ۲) و (مفید، ۲/ ۳۷۱) دیگر این که فردی معین و مشخص، به عنوان دجال، در دوره غیبت- با همان ویژگیهایی که برای وی بیان شده است- باشد که هنگام ظهور منجی با انتشار اخبار دروغ، افکار مردم را از واقعیات آن زمان منحرف می کند، برای حفظ و بقاء ارزشهای طاغوت، همه تلاش خود را به کار میگیرد و با سوءاستفاده از زمینه های فکری و اجتماعی احساسات مردم، دست به تزویر و حیلگری میزند تا آنان را نسبت به اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دچار تردید و دودلی کند و از پیروزی آن جلوگیری کند.

از این عبارات می توان نتیجه گرفت که دجال علاوه بر آن که به عنوان یک فرد خاص تصور می شود می تواند به صورت جریان خاصی در نظر گرفته شود که در تمام زمانها وجود داشته باشد.

۳- جانور یا سفیانی

از علائم ظهور مسیح در مکاشفات، می توان به قیام جانور اشاره کرد. "در این هنگام جانور عجیبی را در رؤیا دیدم که از دریا بالا می آمد. سپس جانور عجیب دیگری دیدم که از داخل زمین بیرون آمد" (۱۳: ۱ و ۱۱) ظهور جانور در مکاشفات همراه با علامتهایی یعنی هفت بلاء و عذاب آخر است. "در آسمان علامت عجیب دیگری دیدم ... سپس، در برابر خود چیزی شبیه دریای آتش و بلور دیدم که موج می زد، در کنار دریا کسانی ایستاده بودند که بر آن جانور خبیث و مجسمه اش و بر آن علامت و عددش پیروز شده بودند. (۱۵: ۲ - ۱) این تعبیرات را می توان با سفیانی در روایات امامیه مقایسه کرد.

از مهم ترین، نشانه هایی که برای ظهور مهدی (علیه السلام)، بیان می شود ظهور سفیانی است. آمدن او حتمی است و چاره ای از آمدن او نیست (مجلسی، ۵۲ / ۱۸۲) در روایات شیعه، سفیانی غالباً همراه چند علامت مشهور: نداء، نفس زکیه، فرو رفتن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء، یاد شده است (همان) نزول عذاب غیر منتظره و عدم امکان گریز (سبأ، ۵۱) نزول عذاب بر سپاهیان سفیانی در سرزمین بیداء است. (بحار، ۵۲ / ۲۵۲)

جانور چاه بی انتها، (۱۱: ۷) موجودی است که دو شاهد اورشلیم را به قتل می رساند و ۴۲ ماه حکومت می کند، از جهنم می آید، ویران می کند اما زمان او محدود است، یوحنا سه چیز را در باره ی این جانور بیان می کند، همدستی در توطئه با اژدها، موفقیتش در فریب همه ی جهان و موفقیتش در شکست موقت مقدسان خدا

(Thomas, L, constable, P. ۱۱۹) بخشی از کارکرد جانور را شاید بتوان با عملکرد سفیانی در دوران ظهور مهدی (علیه السلام) مقایسه کرد. "سفیانی با ابقع برخورد و پیکار می نماید، او ابقع و یارانش را می کشد و اصهب را نیز به قتل می رساند. (النعمانی، ۱۴۹) سفیانی به کوفه می رود و یاوران آل پیامبر را به قتل می رساند. (الطوسی، ۲۷۸) تعداد نفرات لشکر سفیانی در تهاجم به کوفه ۷۰ هزار نفر گفته شده است. (الغیبه، ۲۸۰) مردی سلحشور با عده ای از مستضعفان اهل کوفه در برابر سپاه سفیانی خروج می کند. او نیز به دست فرمانده لشکر سفیانی در میان کوفه و حیره به قتل می رسد. (طوسی، ۲۵۶) سپاهی از خراسان با شور و شتاب، با پرچم های برافراشته، به سوی کوفه حرکت می کنند، که شماری از اصحاب مهدی (علیه السلام) در میان آنها می باشند. (همان) در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) از خروج سید حسنی و کشته شدن یارانش به دست سفیانی سخن گفته شده. (النعمانی، ۱۴۹) در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) از کشته شدن سید حسنی به دست اهل مکه و ارسال سر او به سوی سفیانی سخن رفته است. (کلینی، ۱۸۹/۸)

در دو توصیف جداگانه برای جانور دوم و شیصبانی از یاران سفیانی، به صورت مجازی بیرون آمدن آنها از زمینه مطرح شده است، شاید بتوان این دو تعبیر را از جهتی با هم مقایسه کرد.

"سپس جانوری عجیب دیگری دیدم که از داخل زمین بیرون آمد" (۱۳: ۱۱) در روایات امامیه از خروج شیصبانی در آستانه ی خروج سفیانی در کوفه سخن رفته و با قاطعیت آمده است که هرگز سفیانی بدون شیصبانی نخواهد بود. وی در کوفه خروج می کند و همانند جوشش آب از زمین می جوشد. وی هواداران زیادی پیدا می کند و با دوستان اهل بیت (علیه السلام) درگیر می شود. (نعمانی، ۳۰۲)

جانور از چاه بی انتها بیرون می آید، جانور قدرت خود را از شیطان می گیرد. شیطان به او قدرتهای فوق طبیعی می دهد. "اژدها تاج و تخت و قدرت و اختیارات خود را به او بخشید، اژدها به او قدرت داد تا با خلق خدا جنگیده، ایشان را شکست دهد و بر تمام قومها و قبیله ها از هر زبان و نژاد دنیا حکومت کند. (۱۳: ۲ و ۷)

احضار جانور توسط اژدها نقشه ی نابودی فرزند زن بود. (Thomas, L, constable, Pp. ۱۱۹-۱۲۰) منظور نابودی عیسی مسیح است. همان هدفی که در قیام سفیانی دنبال می شود یعنی کشتن و نابودی مهدی.

بسیاری از مفسران مدرن عقیده دارند که اولین جانور تجسم شخصیت قدرت غیر روحانی در مقابل کلیسا و دومین جانور تجسم شخصیت مذهب دروغین است. (E.g., Mounce, p. ۳۴۹). در مذهب امامیه نیز برخی با استناد به بعضی از روایات معتقدند که سفیانی شخصمعینی از آل ابوسفیان و فرزندان او نیست بلکه اشاره به صفات و برنامه های مشخصی است که در طول تاریخ، افراد زیادی مظهر آن بوده اند. (مجلسی، ۱۸۲/۵۲) سفیانی نماد

تفکری منحرف در جهان اسلام است که همه ی جنبش ها و دیدگاههای غیر صحیحی که به دروغ خود را به اسلام منتسب می کنند را در بر می گیرد

حال با نگاه به توصیف دو جانور و نمادین بودن آنها به عنوان تجسم قدرتهای مادی و مذهبی دروغین همراه با ظاهر فریبنده ی آنها، و ویژگیهایی که در روایات برای سفیانی بیان شده است شاید بتوان جانور دوم را با سفیانی مقایسه کرد، شاید در زمان ظهور، جریانهای معارض و شیطانی وجود داشته باشند که قصد تخریب و شکست قیام منجی را دارند، چه بسا اینها سال ها قبل از قیام شکل گرفته باشند و در حال فعالیت باشند و در آن زمان در قالب جانور یا سفیانی جلوه کنند، نکته جالب در این ماجرا، سرنوشت مشابه و یکسان آنها است که جانور به وسیله ی مسیح و سفیانی توسط مهدی کشته می شوند، "ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که او رب الارباب و پادشاه پادشاهان است" (۱۷: ۱۴) سفیانی، سپاهی را از شام به دنبال امام می فرستد اما این سپاه در منطقه ی پیدا در زمین فرو می رود و جز شخصی که خبر آن را می رساند کسی از آنها زنده نمی ماند، سفیانی به همراه باقیمانده ی نیروهایش به سوی امام حرکت می کند اما آن حضرت پیروز شده، سفیانی را خواهد کشت. (مجلسی، ۵۲/ ۳۱۵)

در مکاشفات یوحنا و روایات امامیه در مورد سرنوشت سپاهیان جانور و سفیانی عبارتی مشابه با این مضمون آمده که پس از کشته شدن آنها، پرندگان از گوشت آنها سیر خواهند شد. "آنگاه تمام دار و دسته ی او با شمشیر تیزی که در دهان اسب سوار بود، کشته شدند، و پرندگان شکم خود را با گوشت آنان سیر کردند. (مکاشفات ۱۹: ۲۱) "لشکر سفیانی را تا آخر بکشند حتی اینکه اگر یک نفری در میان درختی یا در جوف سنگی پنهان شده باشد آن درخت و آن سنگ فریاد زند که در میان من کافری پنهان است، پس او را بیرون آورند و بکشند، پس درندگان و پرندگان از گوشت آنان سیر شوند. " (خراسانی، ۲۲۵)

سرنوشت منجی:

"مسیح (علیه السلام) نخستین کسی است که پس از مرگ زنده شد و هرگز نخواهد مرد، و برتر از تمام پادشاهان این جهان است، سپاس و ستایش بر او که ما را محبت می نماید و با خون خود ما را شست. " (۱: ۵) در بیشتر جوامع غربی امروز، اینطور فکر می شود که جنایتکاران دور از چشم مردم او را مجازات کرده اند، یا اینکه گرفتار مرگ یا اعدام شد. (Jesus Apocalyptic Prophet Of The New Millennium . p ۲۲۳)

اعدام یکی از رایج ترین مرگ هایی بود که به وسیله ی رومی ها انجام می شد، آنها آن را ابداع نکردند اما گاهی از آن استفاده می کردند، مخصوصاً برای مردمی که جنایت انجام می دادند، بعضی از مسیحیان فکر می کردند که مسیح (علیه السلام)، تنها به صلیب کشیده شد، البته اینطور نیست، بر طبق احادیث انجیل، مسیح قبل از اعدامش

شلاق زده شد. (John . ۱۹ : ۱) به هر حال مسیح (علیه السلام) و دیگران به وسیله ی سربازان به خارج از دروازه های شهر برده شدند ، در خصوص مردن مسیح (علیه السلام) در پایان بعد از ظهر جمعه بود که چند ساعت طول کشید ، حواریون با او نبودند ، گویا بعضی از زنهایی که از الخلیل همراه او بودند از مسافتی دور گزارش داده اند ، هیچکس به اندازه کافی نزدیک نبوده است تا آنچه را در پایان گفته است ، بشنود . (Bart D , Ehram. P . ۲۲۴) (در چند نقل مستقل گفته شده که بدن مسیح (علیه السلام) به وسیله ی یکی از پیروان او به نام یوسف ، مخفیانه تشییع شد . (John . ۱۹ : ۳) دانشمندان این حدیث را با توجه به قرائن موجود ، معتبر دانسته اند ، جنایتهای اعدامی و صلیبی معمولاً اجازه تشییع داده نمی شدند و روی صلیب می ماندند تا دریده و خورده شوند و به وسیله ی سفورها و مأموران ، نظافت کردند ، بعضی گفته اند که بدن مسیح به وسیله ی سگها خورده شد اما هیچ تأیید تاریخی ندارد ، به نظر ، غیر محتمل می رسد که جنازه ی مسیح روی صلیب ترک شده باشد ، اگر اینطور باشد پیروانش احتمالاً آن را دیده اند و تمایل دارند تا مدعی شوند که او مرده است ، احتمال دیگر این که بدن او توسط بعضی از آنها یا توسط سربازان یا بعضی از افراد خانواده اش یا پیروان نزدیکترش تشییع شد (Bart D , Ehram) p ۲۲۵ . در بررسی نقل هایی که در مورد سرنوشت زمینی عیسی (علیه السلام) وجود دارد مواجه با اشکالاتی می شویم که به این روایات وجود دارد.

اولاً مضامین این نقل ها متفاوت و پراکنده است تا آنجا که نمی توان در بین اخبار فوق دو خبر با مضمون هماهنگ را پیدا کرد . از جمله اختلافات عبارتند از : الف: اینکه جنایتکاران دور از چشم مردم او را گرفتار مرگ کردند یا او را اعدام کردند ب : بعضی از مسیحیان معتقدند فقط او اعدام شد اما بر اساس نقل انجیل یوحنا قبل از اعدام شلاق زده شد

ج : گزارش مشاهده اعدام او مبهم است و از فاصله ی دور دیده شده است .

د : گفته شده جنایتهای اعدامی و صلیبی اجازه تشییع داده نمی شد اما در انجیل یوحنا نقل شده که بدن مسیح به وسیله ی یکی از پیروان او به نام یوسف ، مخفیانه تشییع شد یا اینکه توسط سربازان و افراد خانواده اش تشییع شد . بنابراین با توجه به پراکندگی نقل اخبار مربوط به مرگ مسیح (علیه السلام)، نمی توان به مفهوم صریح و روشنی در مورد سرنوشت زمینی او دست یافت .

دیدگاه مکاشفات در مورد مرگ مسیح (علیه السلام)، فدا شدن او برای آمرزش بندگان ، سپس زنده شدن و به آسمان رفتن است . در حالی که قرآن کریم معتقد است که او کشته نشد و به دار آویخته نشد بلکه امر بر آنها مشتبّه شد . « وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ » (النساء ، ۱۵۷) اما سرنوشت عیسی و مهدی (علیه السلام) پس از زندگی اولیه در دنیا از جهاتی مشابه است با این تفاوت که عیسی علیه السلام ، توسط خداوند به آسمان برده شد . « إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ هَاهُنَا فَاذْهَبْ أَلَيْكَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ أُمَّةٌ حَقَّتْ لِكُلِّ شَيْءٍ فِيهَا سُنَّةٌ وَمَا يُغْنِي عَنْكَ الْخَلْقُ وَالْأَلْبَابُ إِنَّكَ تَمُوتُ وَطَرْدُوكَ » (آل عمران ، ۵۵)

اما مهدی، روی زمین از نظرها پنهان گشته است، (الکلینی، ۱/ ۳۳۸) در آخرالزمان هر دو ظهور خواهند کرد، عیسی علیه السلام در نمازش به مهدی اقتدا خواهد کرد. (الاریلی، ۳/ ۲۶۴) مهدی پس از ۱۰ سال از ظهور (الغیبه، ۵۲۰) و مسیح پس از ۴۰ سال رحلت خواهند کرد، (مجلسی، ۵۲/ ۳۸۳، باب ۲۳) پس از مهدی علیه السلام حکومت همچنان در دست اولیای مسلمان تا بر پایی قیامت باقی خواهد ماند.

بعضی از موارد مشابه یا اختلافی مکاشفات با قرآن کریم و روایات شیعه در بحث منجی

مکاشفات	تشابه در قرآن کریم و روایات شیعه	اختلاف
۱	او سوار بر ابرها می آید. (۷: ۱)	قائم ظاهر می شود، بالای سرش ابری سایه افکنده. (بحار، ۵۲/ ۳۷۸)
۲	هر چشمی او را خواهد دید. (۷: ۱)	هر چشمی او را خواهد دید. (بحار، ۵۳/ ۵)
۳	مانند دزد زمانی که منتظر نیستید می آیم. (۱۵: ۱۶)	منظور از ساعه در قرآن کریم، ساعت قائم است که به صورت ناگهانی خواهد آمد. (بحار، ۵۳/ ۱)
۴	من الف و یاء، آغاز و پایان، اول و آخر هستم. (۳: ۲۲)	او اولین آفرینش، قبل از پدید آمدن آسمان و زمین به صورت نور پیرامون عرش بوده است. (بحار، ۵۲/ ۱۹۳)
۵	هنگام پادشاهی ابدی، عیسی (علیه السلام) و پدرش به نسبت مساوی با هم بر جهان حاکم می شوند. (۱۵: ۱۵)	پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداست. (آل عمران، ۱۸۹)
۶	چشمانش همچون شعله های آتش تیز و نافذ است. (۱۹: ۲)	در همان حال که پیش رو را می بیند، پشت سر خود را نیز می بیند. (عیون اخبار الرضا، ۲/ ۱۶۹)
۷	صورت او همچون خورشید نیمروز می درخشید. (۱۶: ۱)	امام مانند خورشید تابنده است که جهان به نورش روشن می شود. (بحار، ۵۱/ ۳۶۶)
۸	مسیح اولین کسی بود که پس از مرگ زنده شد و هرگز نخواهد مرد. (۵: ۱)	او را نه کشتند و نه به دار آویختند بلکه امر بر آنها مشتبه شد. (النساء، ۱۵۷)

نتایج مقاله

از تشابه متنی میان مکاشفات، قرآن کریم و روایات امامیه در موضوع منجی، می توان نتیجه گرفت، با توجه به هدف مشترک ادیان در ارائه تصویری امید بخش از آینده جهان و برقراری حاکمیت صالحان در پایان زمان، این تشابه متأثر از الهامات و پیام های غیبی هستند که در این زمینه، مخاطبان خاص از منبع صدور واحد دریافت کرده اند و با گذشت زمان دستخوش تغییر جدی نگردیده و شکل کلی خود را حفظ کرده اند، مواردی مانند ظهور ناگهانی، صفات و القاب مشترک منطبق بر عملکرد همانند، چگونگی تولد و نوع خلقت، دشمنان مشترک و سرنوشت همسان در این مقوله قرار دارد، در مواردی نیز اختلافات، ناشی از مقتضیات زمان و مکان صدور، نیاز مخاطبان، متناسب با درک و فهم آنها، تصحیف و تحریف بعضی از متون و در برخی موارد از تفسیر اشتباه الفاظ بوده که با تأویل آنها می توان به واقعیت و وحدت نظر در باره ی موضوع دست یافت، آنچه در ادیان الهی در بحث منجی بر آن تأکید شده، ظهور مصلحی الهی است که در آخرالزمان ظهور می کند و جهان را پر از عدل و داد می کند، روند تکاملی این بحث در آخرین کتاب الهی قرآن کریم و بیانات مفسرین این کتاب (سخنان امامان) علیهم

السلام) متبلور می شود که نسبت به میراث ادیان گذشته کامل تر و روشن تر است

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ترجمه کتاب مقدس
- ۳- آشتیانی ، جلال الدین ، تحقیقی در دین مسیح ، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگارش، ۱۳۸۹ ش
- ۴- الاربلی ، علی بن عیسی ، کشف الغمه فی معرفه الائمه ، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی ، ۱۳۸۱ ه ق
- ۵- ابن صباغ ، علی بن محمد ، الفصول المهمه فی معرفه الائمه ، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالخلافة، ۱۳۰۳ ه ق
- ۶- ابن فارس ، احمد، معجم مقاییس اللغة ، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق
- ۷- اوپه نیشد ، ترجمه ی محمد داراشکوه ازمتن سانیکریت، تهران ، ۱۳۹۸
- ۸- بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، چاپ دوم، تهران: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق
- ۹- جاماسب فرزند لهراسب برادر گشتاسب ، جاماسب نامه ، مصحح ، محمد ملک الکتاب شیرازی ، نشر بمبئی ، ۱۳۱۳ ه ق
- ۱۰- جعفری، ابوالقاسم، منجی موعود در آیین بودا ، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ ه ش
- ۱۱- جولیس گرینستون ، انتظار مسیحا در آیین یهود ، ترجمه ی حسین توفیقی ، چاپ دوم، قم: انتشارات ادیان و مذاهب ، ۱۳۸۷ ه ش
- ۱۲- خراسانی ، محمد جواد ، مهدی منتظر ، قم: چاپ مهر
- ۱۳- صافی گلپایگانی ، لطف الله ، منتخب الاثر ، قم: موسسه المعصومه ، ۱۴۱۹ ه ق
- ۱۴- صدر ، محمد ، تاریخ پس از ظهور ، ترجمه ی حسن سجادی پور ، چاپ دوم، تهران: انتشارات موعود عصر (عج) ، ۱۳۸۷ ه ش
- ۱۵- صدوق ، محمد بن علی بن حسین ، عیون اخبارالرضا ، قم: انتشارات طوس ، ۱۳۶۳ ه ش
- ۱۶- همو ، کمال الدین و تمام النعمه ، قم: موسسه النشر الاسلامی ، بی جا ، ۱۴۰۵ ه ق .

- ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، **المیزان**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه ق،
- ۱۸- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، **دلائل الإمامه**، قم: نشر مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳ ه ق
- ۱۹- الطوسی، محمد بن حسن، **الغیبه**، قم: انتشارات مؤسسه ی معارف اسلامی قم، ۱۴۱۱ ه ق
- ۲۰- الکلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران: انتشارات دارالاسلامیه، ۱۳۶۵ ه ش
- ۲۱- الکورانی، علی، **معجم احادیث الامام المهدي (علیه السلام)**، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه ق
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴
- ۲۳- مفید، محمد بن نعمان، **الارشاد**، مترجم، ساعدی خراسانی، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۰
- ۲۴- همو، **الفصول العشره**، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق
- ۲۵- میشل، توماس، **کلام مسیحی**، ترجمه حسین توفیقی، چاپ دوم: قم: انتشارات ادیان و مذاهب، بی تا
- ۲۶- نجفی، محمد مهدی، **بیان الائمه**، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۸ ه ق
- ۲۷- النعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، تبریز، ۱۳۸۵ ه ق
- ۲۸- نوری، میرزا حسین، **النجم الثاقب**، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ه ش
- ۲۹- هاکس، جیمز، **قاموس کتاب مقدس**، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ ه ش
- ۳۰- هالسل، گریس، **یدالله**، ترجمه قیس زعفرانی، تهران: هلال، ۱۳۸۴ ش.
- ۳۱- یزدی حائری، علی، **الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب**، قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۲ ه ش
- ۳۲- Alison , Dale , C , " **The Eschatology of Jesus** " The Continuum History of Apocalyptism , Bernard . j . McGinn . v & John J . Collins & Stephen , J . Stein (ed) , New York , Continumm Publication , ۲۰۰۳
- ۳۳- Bart D , Ehram , **Jesus Apocalyptic Prophet Of The New Millennium** , Oxford University Press , ۱۹۹۹
- ۳۴- Eduard Konig” Elijah” **The Jewish Encyclopedia** , ,No . ۱۰ . Vols , ۵ , KTAV Publishing House , Inc , N , Y , Z , N . Y , U . S , A
- ۳۵- Edwin Reynolds , **The Trinity in The book of revelation** Southern Adventist Uneversity Journal of the Adventist Theological Society, ۱۷/۱ (Spring ۲۰۰۶)
- Article copyright © ۲۰۰۶ by Edwin Reynolds

۳۶-Goff , M . , " **Antichrist** " , **Encyclopedia of Millennialism**,R.A.Lades(ed),London,Routledge,۲۰۰۰

۳۷-Mounce, Robert H.**The Book of Revelation**. New International Commentary on the New Testament series. Grand Rapids: William B. Eerdmans Publishing Co., ۱۹۸۳

۳۸-Thomas , L , constable , **Notes on revelation**, Published by Sonic Light: <http://www.soniclight.com> .۲۰۱۴

۳۹-William Barclay ,**The daily Study Bible**, Published By The West Minster Press ,۱۹۷۹